

سادات مرعشی شوشتر در عصر تیموریان و صفویان

(۱۱۳۵-۷۷۸ هـ. ق)

مسعود ولی عرب^۱

چکیده

سادات مرعشی شوشتر که از نسل سادات مرعشی طبرستان بودند و در علوم نقلی و علوم عقلی تخصص و تبحر داشتند، در دوره صفویه مورد توجه شاهان صفوی از جمله شاه اسماعیل و شاه طهماسب قرار گرفتند و به مناصب درباری والایی از جمله مقام‌های صدر و قاضی عسگر رسیدند. اعطای مناصب مثل صدر و قاضی عسگر که یکی از مهم‌ترین مناصب دولت صفوی بود نشان از اهمیت و اعتبار این خاندان در دربار صفوی داشت. این خاندان علاوه بر مهارت در علوم مذهبی در زمینه شعر هم مهارت داشتند و بعضی از آنان تخلص شعری نیز داشتند. علاوه بر این، این خاندان با تکیه بر تقوا و تحصیلات مذهبی خود توانستند گام مهمی در ترویج مذهب شیعه بردارند به گونه‌ای که لقب شهید ثالث به یکی از افراد این خاندان یعنی قاضی نورالله (دوم) نشان بارزی از فداکاری‌های آنها در این راه بود. از خدمات دیگر این خاندان باید به اقدامات آن در زمینه عمران و آبادانی شوشتر اشاره کرد. در این پژوهش برآنیم به معرفی خاندان سادات مرعشی شوشتر و در پی آن اقدامات و خدمات این خاندان در جهت ترویج مذهب شیعه و نیز رونق و آبادانی شوشتر بپردازیم.

واژه‌های کلیدی: صفویان، خاندان مرعشی، شوشتر، مذهب شیعه

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز m.valiarab@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۱۶

خانندان سادات مرعشی در قرن هشتم تا دهم هجری به چهار گروه تقسیم می‌شدند و در مناطقی از ایران مانند مازندران، قزوین، اصفهان و شوشتر ساکن بودند. خانندان سادات مرعشی طبرستان بعد از این که به وسیله حملات تیمور قدرت حقیقی خود را از دست داد و تیمور عده‌ای از سادات را به نواحی مختلف از جمله ماورالنهر، سمرقند، خوارزم و کاشغر فرستاد تا از نفوذ و قدرت این خانندان در شمال ایران کاسته شود. با این وجود خانندان سادات مرعشی طبرستان در رشد و ابراز وجود خانندان سادات مرعشی شوشتر تأثیر گذاشت به گونه‌ای که اولین فرد خانندان سادات مرعشی شوشتر که از آن به نجم الدین محمود یاد می‌شود برخاسته از نسل خانندان سادات مرعشی طبرستان بود. خانندان سادات مرعشی شوشتر که به مهارت در علوم عقلی و مسائل مذهبی معروف بودند مورد توجه پادشاهان صفوی به خصوص شاه طهماسب واقع شدند و مناصب بزرگ حکومتی به خصوص صدر را به عهده گرفتند. حال سؤال این است که اعطای مناصب بزرگ حکومتی به خانندان سادات مرعشی شوشتر چه تأثیری در اوضاع اجتماعی شوشتر به دنبال داشت؟ فرضیه ما بر این است که خانندان سادات مرعشی شوشتر تأثیرات مهمی در تحولات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی شوشتر داشته‌اند از جمله در ترویج مذهب شیعه و رونق و آبادانی شوشتر سهم بودند.

در مورد اقدامات خانندان سادات مرعشی شوشتر تا به حال تحقیق مستقلی صورت نگرفته و اهمیت تحقیق حاضر که به روش کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی است در این است که با استفاده از منابع دست اول که اطلاعاتی از این خانندان به دست داده‌اند به بررسی اقدامات و خدمات این خانندان در رونق و آبادانی شوشتر و همچنین تلاش‌های آنها در جهت ترویج مذهب شیعه در شوشتر پرداخته است.



وجه تسمیه سادات مرعشی

سادات قومی یا سادات مرعشی خاندانی هستند که از قرن هشتم تا دهم هجری در مازندران، قزوین، اصفهان و شوشتر حکومت داشتند. (حاجی خلیفه، ۱۳۷۶: ۴۳۳) درباره‌ی وجه تسمیه مرعش نوشته‌اند "مرعش نام بلده‌ای است نزدیک موصل" و سید غزال الدین نسابه گوید که نام قلعه‌ای است میان ارمینیه و دیار بکر و نیز گفته‌اند کبوتر بلند پرواز را مرعش گویند و چون سید علی مرعش در نهایت علو شأن بوده او را مرعش گفته‌اند. (میرزا سلطان، ۱۳۷۹: ۲۴)

سمعانی در کتاب انساب مرعش را اینگونه تفسیر کرده است: «احمد بن العلوئی نسابه گوید که مرعش نام شخصی است و آن شخص «علی بن ابوالمرعش بن عبدالله الملقب سیلق بن حسن بن الحسین الاصغر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام» است و سلسله‌ی مرعشیه پنج فرقه‌اند: یکی سادات مازنداران. دوم سادات شوشتر که از مازندران نقل مکان فرمودند. سوم سادات مرعشی قزوین که از شوشتر به قزوین آمده بودند. چهارم سادات مرعشی اصفهان که از مازنداران به اصفهان آمدند. پنجم بعضی از سادات دارالسلطنه هرات و سایر شهرها (مانند لکنهو هند) نقل مکان فرمودند». (همان: ۲۴)

برای آشنایی با سادات مرعشی شوشتر ابتدا باید گذری کوتاه بر سادات مرعشی طبرستان داشته باشیم زیرا این خاندان نقشی مهم در روی کار آمدن سادات مرعشی شوشتر داشتند.

نگاهی کوتاه به مرعشیان طبرستان

مرعشیان طبرستان از نسل امام زین العابدین (ع) بودند. (ظهیرالدین مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۷۱) سید قوام الدین مشهور به میر بزرگ در سال ۷۶۰ هـ. ق در مازندران قیام کرد و حکومت مرعشیان طبرستان را تأسیس کرد و سپس حکومت را به فرزندانش سپرد.



(میر مرعشی، بی تا، ۲۵) امیر تیمور گورکانی در سال ۷۶۵ ه.ق از ماورالنهر خارج شد و به سوی خراسان حرکت کرد. وی پانزده سال بعد (۷۸۰ ه.ق) تصمیم گرفت به طبرستان لشکرکشد و آنجا را فتح کند. سید کمال الدین مرعشی فرزند میربزرگ وقتی خطر حمله تیمور را احساس کرد فرزندش غیاث الدین را با هدایایی به اردوی تیمور فرستاد اما تیمور پاسخ مناسبی به سادات مرعشی نداد. (ظهیرالدین مرعشی، ۱۳۴۵: ۲۵۵)

تیمور بعد از دو ماه محاصره، قلعه «ماهانه سر» همان قلعه‌ای که سادات مرعشی در آن پناه گرفته بودند را گشود و بعد از این شکست قدرت مرعشیان طبرستان درهم شکسته شد. تیمور دستور داد تا سادات را از غیر سادات جدا کنند بسیاری از غیر سادات را به قتل رسانید و سادات مرعشی را به ماورالنهر فرستاد که عده‌ای از آنها را به سمرقند و دو گروه دیگر را به خوارزم و کاشغر فرستاد. (افشار یزدی، ۱۳۸۰: ۱۲۷؛ مولانا آملی، ۱۳۴۸: ۲۰۵)

فرزندان میر بزرگ، سید کمال الدین و سید رضی و سید فخرالدین همگی پیش از مرگ تیمور گورکانی در ماورالنهر در گذشتند اما نوادگان میر بزرگ بعد از مرگ تیمور از شاهرخ فرزند تیمور اجازه بازگشت به طبرستان را گرفتند و تا مدت‌ها در شهرهای مختلف نواحی طبرستان حاکم بودند و هر چندگاهی برای بدست آوردن استقلال خویش تلاش‌هایی را انجام دادند اما توفیق چندانی بدست نیاوردند و بیشتر تابع حکومت‌های معاصر خود بودند. سرانجام، اختلافات میان عموزادگان مانع یکدست شدن حکومت مرعشیان در طبرستان شد. (ظهیرالدین مرعشی، ۱۳۴۵: ۲۳۹)

ورود این خاندان به شوستر بیشتر تحت تأثیر در خواستی بوده که مردم و سادات از ایشان نمودند و صورت گرفته است

نخستین سادات مرعشی شوستر



الف) میر نجم الدین محمود

میر نجم الدین محمود اولین شخصی است که از سادات مرعشی مازندران در سده‌ی هشتم هجری به شوشتر آمد. درباره‌ی آمدن وی به شوشتر نوشته‌اند که میر نجم الدین در زمان حکومت عزالدوله که او را «عضدالدوله و عضدالمله حسینی» هم گفته‌اند در راه بازگشت از زیارت عتبات در شوشتر توقف کرد. در مسیر این توقف، مقام علمی و تقوای وی چنان مورد توجه و محبت حاکم شوشتر و مردم قرار گرفت که تنها دختر سید عضدالدوله را به عقد وی درآوردند. بعد از درگذشت حاکم شوشتر، میر نجم الدین محمود وارث املاک و اموال و حکومت عضدالدوله شد. (شوشتری، ۱۳۹۱: ۷۱ / ۱)

میر نجم الدین و اولاد او در تبلیغ و ترویج مذهب شیعه بسیار تلاش کردند به گونه‌ای که بسیاری از مردم شوشتر و خوزستان که در زمان خلفای بنی امیه و بنی عباس پیرو مذهب اهل سنت یا معتزلی بودند به آنها گرویدند. (شوشتری مرعشی حسینی، ۱۳۵۲: ۱۶-۱۷) در شوشتر مقبره‌ای منسوب به میر نجم الدین محمود وجود دارد که در محله دلدل "بر وزن بلبل" از محلات موگهی واقع است اما آثاری از قبر ایشان در آنجا دیده نمی‌شود. (مرعشی، ۱۳۶۵: ۱ / ۲۲) میر نجم الدین محمود که در سده‌ی هشتم هجری به شوشتر آمده بود در شوشتر ماندگار شد بعد از درگذشت وی، فرزندان میر نجم الدین به سبب ظهور محمد بن فلاح مشعشعی در هویزه و ایجاد فتنه و آشوب در خوزستان دچار مشکلات و سختی‌های فراوانی شدند به همین خاطر برخی از آنها به شیراز و برخی دیگر به هند مهاجرت کردند. (مرعشی، ۱۳۶۵: ۱ / ۵۲)

ب) سید محمدشاه

سید محمدشاه فرزند مبارزالدین جمال الدین حسین فرزند نجم الدین محمود مرعشی است. معروفیت سید محمدشاه (مرعشی) و فرزندان وی شخصیت پدر و پدربزرگ



خود را تحت الشعاع قرار داده است به همین دلیل آگاهی چندانی از زندگی این دو نفر نداریم. (شوشتری مرعشی حسینی، ۱۳۵۲: ۱۷) سید محمدشاه سه پسر داشت میر نورالله (اول)، میر زین الدین علی، میر مانده. لازم به ذکر است که سید محمدشاه مرعشی شوشتری در طریقت به مرحله کمال رسیده و به همین دلیل لقب «شاه» داشته است. در واقع، شاه بالاترین مرحله‌ی مقام در عرفان است مانند «شاه نعمت الله ولی». وفات سید محمدشاه در سال ۸۷۰ هـ. ق اتفاق افتاد. (شوشتری، ۱۳۹۱، ۱/ ۵۲۱)

ج) میر نورالله بن سید محمد شاه (مرعشی)

میر نورالله در جوانی به واسطه حوادث ناگواری که در اثر تسلط مشعشعیان بر خوزستان اتفاق افتاد به همراه برادرش میر زین الدین به قصد هندوستان به شیراز سفر کرد. در شیراز به کسب علم و دانش پرداخت و از درس مولی قوام الدین کرمانی و میر سید شریف و سید محمد نوربخش و شیخ محمد لاهیجی بهره گرفت. وی حدود سال ۸۷۱ هـ. ق به شوشتر بازگشت. در این زمان، خوزستان از اختلاف و فتنه پاک شد و امنیت و انتظام به آن دیار بازگشته بود. میر نورالله با دختر خواجه حسین شوشتری که از معاریف نجبا و خاندان عزت بود ازدواج کرد و در شوشتر ماند. (شوشتری مرعشی حسینی، ۱۳۵۲: ۱۸؛ مرعشی، ۱۳۶۵: ۱/ ۷۲)

میر نورالله بن سید محمدشاه (مرعشی) چنان در ترویج مذهب شیعه تلاش کرد که بیشتر مردم خود را پیرو دین میر نورالله معرفی کردند و به همین دلیل سلطان محسن مشعشعی والی خوزستان وی را مورد توجه قرار داد. در زمان سلطانعلی پسر سلطان محسن (مشعشعی) به او پیشنهاد صدارت شد ولی وی از پذیرش آن صرف نظر کرد و برادر زن خود، قاضی عبدالله را که از شاگردان وی بود برای این سمت گماشت. (شوشتری، ۱۳۹۱: ۱/ ۵۲۲؛ شوشتری مرعشی حسینی، ۱۳۵۲: ۱۹؛ مرعشی، ۱۳۶۵: ۱/ ۷۳)



میرنورالله بن سید محمدشاه مردی بلند همت و درویش بود و نویسنده‌ی کتاب‌های صدباب در اسطرلاب، شرح زیچ جدید و... می‌باشد. میر نورالله حدود سال ۹۱۵ هـ. ق درگذشت و از وی دو پسر به نام میر شریف و میر حبیب الله به یادگار ماند. (جزایری شوشتری، ۱۳۸۸: ۱۱۱)

سادات مرعشی شوشتر در زمان صفویان

در سال ۹۱۴ هـ. ق شاه اسماعیل صفوی بعد از فتح بغداد و برای سرکوب خاندان مشعشی به خوزستان آمد وی بعد از فرونشاندن این فتنه متوجه شوشتر شد. در شوشتر از کوشش‌های میر نورالله بن سید محمدشاه (مرعشی) در ترویج مذهب جعفری آگاه شد بنابراین نسبت به وی کمال احترام و عزت را نمود و املاک قدیم را به وی بازگرداند و املاک جدیدی به وی واگذار کرد. (جزایری شوشتری، ۱۳۸۸: ۱۱۱)

از معروف‌ترین سادات مرعشی که در دوره‌ی صفوی به مناصب مهمی رسیدند باید به میر شمس الدین صدر مرعشی «میر شاه میر»، میر سید علی صدر مرعشی، میر شریف، قاضی نورالله (دوم) شوشتری و فرزندان قاضی نورالله (دوم) شوشتری اشاره کرد که به هرکدام از این سادات به طور مختصر اشاره خواهد شد.

الف) میر شمس الدین اسدالله صدر مرعشی "میر شاه میر"

میر زین الدین علی فرزند سید محمدشاه مرعشی یک پسر داشت به نام شمس الدین اسدالله الحسینی معروف به صدر العلما یا میر شاه میر بود که در سال ۹۴۳ هـ. ق به منصب صدارت رسید. محقق ثانی، شیخ عبدالعالی برای وی اجازه نوشت و این اجازه شاهی است بر مهارت وی در علوم عقلی و فنون نقلی. وی که از علمای زمان خود بود مدتی صدارت شاه طهماسب صفوی را به عهده داشت و به همین دلیل به صدر



یا صدرالعلما معروف گردید. (قاضی الحسینی قمی، ۱۳۸۳: ۲۶۲/۱) لازم به ذکر است که صدر در دوره‌ی صفوی رییس نهاد مذهبی بود و در حقیقت قدرت خود را از تشکیلات سیاسی می‌گرفت. (نوابی، ۱۳۸۶: ۳۱۲) رساله اسدییه در انساب خاندان علوی به نام میر شاه میر نوشته شده و خود وی نیز، دارای رساله‌ها و کتاب‌های ارزشمندی می‌باشد مانند ترجمه نفحات (لاهورت، تحقیق اراضی انغال، رساله در کتاب قواعد و کشف الحیره). از شاگردان معروفی که نزد میر شاه میر درس خوانده و از وی اجازه نقل روایت داشته است می‌توان به میر سید حسین الموسوی العاملی الکرکی اشاره نمود. میر شمس الدین اسدالله مرعشی «میر شاه میر» بعد از مدتی به قزوین پایتخت شاه طهماسب فراخوانده شد و بر اثر کهولت سن در گذشت. (الحسینی قمی، ۱۳۸۳: ۲۶۲/۱)

در سال ۹۵۶ ه. ق هنگامی که شاهزاده القاص میرزا فرزند شاه طهماسب به طرف شوشتر حرکت کرد و سعی در تسخیر قلعه شوشتر داشت با سعی و اهتمام سادات رفیع الدرجات شوشتر خصوصاً میر سید علی و میر عبدالوهاب و میر شاه میر «شمس الدین اسدالله مرعشی شوشتری» که مرجع آن دیار بودند فدوی وار به دفاع از شوشتر پرداختند. «القاص میرزا» شاهزاده صفوی که بر علیه برادر خویش شاه طهماسب شورش نموده بود هر کاری کرد نتوانست وارد قلعه شوشتر شود. و آن را تسخیر کند، سپس او، از اندیشه خویش منصرف شد کرد و رهسپار دزفول گردید. رشادت‌های سادات مرعشی شوشتر که در صدر آنها نیز اسدالله صدر مرعشی و دو فرزندش، میر سید علی و میر عبدالوهاب بودند از چشم شاه طهماسب صفوی دور نماند به گونه‌ای که به زودی فرمانی صادر کرد و سادات مرعشی شوشتر را به قزوین پایتخت صفویان دعوت کرد. (منشی قزوینی، ۱۳۸۷: ۱۸۵)



ب) میر سید علی صدر مرعشی

وی که فرزند میر شمس الدین صدر مرعشی «میر شاه میر» بود دارای فضایل اخلاقی و تحصیلات عالی بود و مدت‌ها به نیابت از پدر امور صدارت را اداره می‌کرد. میر سید علی از سرآمدان علم و عرفان بود و حکومت شرعیات و عرفیات شوشتر بر امر او استوار بود. میر سید علی به آبادانی و عمران شوشتر خدمات بسیاری نمود و در عقیلی، جنت مکان (جَلْکَن)، شاه ولی نهرهای بسیار احداث کرد و باعث آبادی و رونق شوشتر گردید. (الحسینی قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۲۶۲؛ واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۲۳)

در ماه ذی‌العقده سال ۹۷۰ هـ ق شاه طهماسب وی را به صدارت منصوب کرد. شاه طهماسب در احترام به سادات به قدری زیاده روی کرد که میر سید علی مرعشی شوشتری بعد از مقام صدارت استعفا داد و اداره‌ی امور آستان قدس رضوی را پذیرفت. سرانجام، وی که در جوار امام رضا زندگی می‌کرد در همان شهر نیز در گذشت. (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱/ ۱۴۳؛ جزایری، ۱۳۸۸: ۱۱۳)

ج) میر عبدالوهاب صدر مرعشی

سید عبدالوهاب نیز مانند برادرش (میر سید علی) در خدمت پدر مراحل رشد و تحصیلات را طی نمود و به درجات مهمی نائل آمد. میر عبدالوهاب از نویسندگان بزرگ زمان خود بود. از خدمات برجسته‌ی وی، تأسیس کتابخانه‌ی بزرگی در شوشتر بود و از این راه خدمات شایانی به مردم شوشتر و ساکنان اطراف آن نمودند. (شوشتری مرعشی حسینی، ۱۳۵۲: ۲۳؛ مرعشی، ۱۳۶۵: ۱/ ۸۹) در سال ۹۷۰ هـ ق شاه طهماسب، میر علاء‌الملک مرعشی را که از بزرگان زمان خویش بود قاضی عسکر نمود چون میر علاء‌الملک در شوشتر بود. برادرش عبدالوهاب که در دربار حاضر بود به نیابت از میر علاء‌الملک قاضی عسکر شد. (حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۴۳۸؛ ترکمان،



۱۳۸۲: ۷۵/۱) وظیفه‌ی قاضی عسکر در دوره‌ی صفوی رسیدگی به امور قضایی ارتش بود. (نوایی، ۱۳۸۶: ۳۱۶)

میر عبدالوهاب در خدمت شاه طهماسب بود. بعد از فتح بردع، از شهرهای ایروان تمام کتاب‌هایی را که شاه صفوی در این نبرد بدست آورده بود به میر عبدالوهاب مرعشی شوشتری بخشید. وی نیز هر کتابی را که صاحب آن معلوم بود به صاحبش بازگرداند و هر کتابی که باقی مانده بود پیش خود نگاه داشت. به انضمام کتاب‌هایی که از آباء و اجداد خویش داشت کتابخانه بزرگی شامل دوازده هزار کتاب در شوشتر وقف نمود. میر عبدالوهاب رساله‌ای در تحقیق اراضی انفال داشته و شعر هم می‌سروده و تخلص شعری‌اش «صدقی» بود. میر عبدالوهاب دو پسر داشت: میر رشیدالدین و میرزا محمد. میر رشیدالدین فرزند میر عبدالوهاب در سال ۹۸۵ هـ. ق حاکم شوشتر بوده است. (شوشتری مرعشی حسینی، ۱۳۵۲: ۲۳ / جزایری، ۱۳۸۸: ۱۱۹؛ مرعشی، ۱۳۶۵: ۹۱/۱-۹۰)

د) میر شریف

میر شریف از بزرگان اهل علم و از فقهای زمان خود بود که نزد شیخ ابراهیم قطیفی درس خوانده و استادش در اجازه‌ی مفصلی که در تاریخ ۹۴۴ هـ ق برای وی نوشته، از وی بسیار تجلیل کرد. میر شریف دارای رساله‌ها و تألیفات بسیار است از آن جمله: رساله در اثبات واجب (الوجود)، طب، فن مناظره، شرح خطبه شقیقه و مناظره گل و نرگس. وی طبعی لطیف داشت و در شاعری هم استاد بود. میر شریف دارای چهار پسر بود: میر نورالله (قاضی نورالله شوشتری)، میر اسماعیل، میر قطب الدین، میر وجیه الدین محسن. (شوشتری مرعشی حسینی، ۱۳۵۲: ۲۳؛ جزایری، ۱۳۸۸: ۱۱۲؛ مرعشی، ۱۳۶۵: ۷۴/۱)



و) قاضی نورالله (دوم) شوشتری

قاضی نورالله از جمله معروفترین افراد خاندان سادات مرعشی شوشتر است. در سال ۹۵۶ هـ. ق در شوشتر دیده به جهان گشود. در سال ۹۷۹ هـ. ق برای تکمیل تحصیلات و زیارت عازم مشهد مقدس شد و در آنجا علاوه بر مطالعه علوم دینی و معارف یقینی از حضور مولانا عبدالواحد و دیگر اساتید بهره برد. در سال ۹۲۲ هـ. ق در اثر فتنه و آشوبی که در خراسان حاکم بود به هندوستان رفت. قاضی نورالله در هند مورد توجه و عنایت جلال الدین محمد اکبر شاه (گورکانی) واقع شد و تا مدت‌ها سمت صدارت و قضاوت را به عهده داشت به همین دلیل به قاضی نورالله معروف گردید و در این سمت به تصریح معاصرش عبدالقادر بدائونی کمال درستی و سخت گیری را بر مفتیان و محتسبان نادرست لاهور به خرج داد تا در سال ۱۰۱۹ هـ. ق بر اثر اعمال نفوذ علمای اهل سنت از سمت قضای لاهور معزول شد و در اکبر آباد (آگره) با اجازه جهانگیر به تهمت رفض و یا به قولی به سبب نگارش کتاب احقاق الحق در اثبات حقانیت شیعه و در رد بر کتاب ابطال الباطل روز بهان خنجی چنان بر او زدند تا درگذشت و به همین سبب به شهید ثالث معروف شد و او را در همان شهر به خاک سپردند و آرامگاهش زیارتگاه است. (شوشتری مرعشی حسینی، ۱۳۵۲: ۲۷ - ۳۱؛ شوشتری، ۱۴۰۹ هـ. ق: ۱/۱۰۵-۹۷)

وی تألیفات متعددی به عربی دارد که همگی درباره‌ی مسائل مذهبی شیعه از قبیل تفسیر و فقه و احادیث و اصول و کلام است و فهرست آنها در کتاب‌های مختلف به ویژه طرائق الحقایق و ریاض العلماء و روضات الجنات و هیثمی مکی نقل شده است. قاضی نورالله شوشتری خوش قریحه بود و به دو زبان عربی و فارسی شعر می‌سروده و در شعر تخلص "نوری" داشت. (صفا، ۱۳۷۸: ۵/۱۷۰۶)



علاء الملک مرعشی شوشتری آثار نورالله را نود و شش رساله داسته است. (شوشتری مرعشی حسینی، ۱۳۵۲: ۲۴-۳۶) قاضی نورالله با تسلطی که بر اصول مذاهب چهارگانه اهل سنت داشت کلیه احکام خود را طبق اجتهاد شیعه و موافق با یکی از مذاهب اهل سنت صادر کرده بود. (جزایری، ۱۳۸۸: ۱۱۳) قاضی نورالله پنج پسر داشت به نام‌های سید شریف، سید محمد یوسف، سید علاءالملک که همه اهل فضل و از علمای زمان خود بودند. (شوشتری مرعشی حسینی، ۱۳۵۲: ۳۷-۳۹) معروف‌ترین پسر قاضی نورالله، سید علاءالملک نام داشت. (همان: ۷۹)

کتاب فردوس در تاریخ شوشتر تألیف علاء الملک پسر قاضی نورالله شوشتری است که در تاریخ ۱۰۴۲ هـ. ق در گذشت. فردوس در تاریخ شوشتر، تاریخچه‌ای است برای شوشتر و تذکره‌ای است برای بعضی از مشاهیر این شهر که در زمان حیات مؤلف می‌زیستند. این کتاب اگرچه از نظر ظاهر کم حجم و کوچک به نظر می‌رسد؛ اما از جهت معنی بسیار بزرگ است؛ زیرا شرح بسیاری از شعرا و علمای شوشتر را بیان می‌کند که در منابع تاریخی دیگر به آن اشاره‌ای نداشته است. خصوصاً اطلاعات جالبی از شرح و حال پدر خود قاضی نورالله شوشتری ارائه داده و همچنین به معرفی از خاندان سادات مرعشی شوشتر پرداخته است. (شوشتری مرعشی حسینی، ۱۳۵۲: مقدمه ۱۵)

نتیجه‌گیری

خاندان سادات مرعشی خاندانی بودند که از قرن هشتم تا دهم هجری در مازندران، قزوین، اصفهان و شوشتر حکومت کردند. خاندان سادات مرعشی شوشتر که از نسل سادات مرعشی طبرستان بودند به سرآمدان علوم عقلی و علوم نقلی معروف بودند و در ترویج مذهب شیعه در میان مردم شوشتر تلاش کردند. اولین فرد خاندان سادات مرعشی شوشتر فردی به نام میر نجم الدین محمود بود که از مقام علمی و تقوای



بسیار برخوردار بود و توانست بسیاری از مردم شوشتر که متمایل به معتزلی یا اهل سنت بودند را به شیعه دعوت کند. این خاندان در دوره‌ی صفوی نخستین بار مورد توجه شاه اسماعیل اول قرار گرفتند. وی که از کوشش‌های این خاندان از جمله میرنورالدین سید محمدشاه در ترویج مذهب جعفری آگاه شد، به نشانه احترام به این فرد املاکی را به وی تقدیم کرد. این خاندان که مهارت خاصی در زمینه علوم مذهبی داشتند در دوره‌ی شاه طهماسب لیاقت و کاردانی خود را در امور حکومت نشان دادند به گونه‌ای که تقوا و مهارت علمی یکی از افراد این خاندان به نام میر شمس الدین مرعشی معروف به "میر شاه میر" به قدری مورد توجه شاه طهماسب قرار گرفت که وی را به منصب صدر منصوب کرد و به صدر العلما معروف شد. این اولین بار بود که منصب صدر در دوره‌ی شاه طهماسب به خاندان سادات مرعشی شوشتر رسید. فرزندان میر شاه نیز که دارای تحصیلات فقهی بودند از جمله عبدالوهاب در دوره‌ی صفوی منصب قاضی عسگر را که از مناصب مهم دوره‌ی صفوی بود از آن خود کردند. در واقع این خاندان علاوه بر منصب صدر، منصب قضاوت را نیز تجربه کردند. به طور کلی این خاندان علاوه بر تحصیلات فقهی و تألیف رساله‌های متعدد در زمینه‌ی فقهی و مسائل مذهبی شیعه و حتی مهارت در سرودن شعر و داشتن تخلص شعری، در زمینه امور حکومتی نیز از سرآمدان عصر خود محسوب می‌شدند.

این خاندان علاوه بر مهارت در علوم مذهبی و لیاقت و کاردانی در امور حکومت در آبادانی و رونق شوشتر نیز قدم برداشتند. آنها در مقابل شورش القاص میرزا که شاهزاده شورشی صفوی بود و به شوشتر حمله کرده بود به خوبی مبارزه کردند و اجازه تسخیر شوشتر به دست القاص میرزا را ندادند. تأسیس کتابخانه‌های بزرگ شوشتر، ایجاد نهرهای عقیلی، جنت مکان، شاه ولی در شوشتر از اقدامات خاندان

سادات مرعشی محسوب می‌شود. و هم چنین تلاش‌های آنها در ترویج مذهب شیعه در میان مردم شوشتر را نباید نادیده گرفت. فداکاری‌های این خاندان در جهت اثبات مذهب شیعه تا جایی پیش رفت که یکی از افراد این خاندان به نام قاضی نورالله دوم به شهید ثالث معروف شد. وی در زمان جهانگیر گورگانی در جهت اثبات حقانیت مذهب شیعه و رد بر کتاب ابطال الباطل روزبهان خنجی جان خود را از دست داد.

منابع

- آملی، مولانا اولیاء الله (۱۳۴۸). تاریخ رویان، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی (۱۳۸۰). گردآورنده ایرج افشار یزدی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر ایرج افشار، چ ۳.
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۲). تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر، چ ۳.
- جزایری شوشتری، سیدعبدالله (۱۳۸۸). تذکره‌ی شوشتر، تصحیح مهدی کدخدای طراچی، اهواز: تراوا.
- حاجی خلیفه (۱۳۷۶). تقویم التواریخ، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: احیاء کتاب.
- الحسینی قمی، قاضی احمد بن شرف الدین الحسین (۱۳۸۳). خلاصه التواریخ، به تصحیح احسان اشراقی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲.
- شوشتری مرعشی حسینی، علاء الملک (۱۳۵۲). فردوس در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، تصحیح سید جلال الدین ارموی محدث، تهران: چاپخانه بهمن.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات ایران، ج ۵، تهران: فردوس.
- قاضی شوشتری، نورالله (۱۴۰۹ هـ. ق). احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۱، قم: مکتب آیت الله مرعشی.
- قاضی شوشتری، نورالله (۱۳۹۱). مجالس المؤمنین، ج ۱، تهران: انتشارات اسلامیه.



- مرعشی، علی اکبر (۱۳۶۵). شجره‌ی خاندان مرعشی، ج ۱، تهران: بی نا.
- مرعشی، ظهیرالدین (۱۳۴۵). تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، تهران: موسسه مطبوعاتی شرق.
- میرزا سلطان، هاشم (۱۳۷۹). زبور آل داوود، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: میراث مکتوب.
- میر مرعشی (بی تا). تاریخ خاندان مرعشی مازندران، تهران: بی نا.
- منشی قزوینی، بوداق (۱۳۸۷). جواهر الاخبار، تهران: میراث مکتوب.
- نوایی، عبدالحسین و عباسقلی غفاری فرد (۱۳۸۶). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران: سمت.
- واله قزوینی، یوسف (۱۳۷۲). خلدبرین، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار،

چ ۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله در

فصلنامه تاریخنامه خوارزمی

فصلنامه تاریخنامه خوارزمی، مجله علمی - تخصصی انجمن علمی دانشجویان تاریخ دانشگاه خوارزمی می‌باشد. در این فصلنامه، مقالات علمی، تحلیلی، پژوهشی و توصیفی در زمینه‌های تاریخ اسلام و ایران به چاپ خواهند رسید.

راهنمای تدوین و پذیرش مقاله:

- صرفاً مقاله‌هایی در این مجله منتشر می‌شوند که در نشریه‌ها و همایش‌های داخلی و خارجی چاپ یا ارائه نشده باشد.
- مقالات پس از تأیید هیئت داوران به چاپ خواهند رسید. هیأت داوران در پذیرش یا عدم پذیرش مقالات آزاد است.
- مقاله باید دارای بخش چکیده (حداکثر ۳۰۰ کلمه) و واژگان کلیدی فارسی، چکیده، مقدمه، بحث اصلی، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت و فهرست منابع باشد.
- در بخش چکیده فارسی باید به اهداف، روش انجام تحقیق و نتیجه اشاره شود.
- حجم مقاله، حداکثر ۱۰۰۰۰ کلمه در محیط Word 2003-2007 و با قلم B Lotus و اندازه‌ی قلم ۱۴ باشد. عنوان کامل مقاله، نام و نام خانوادگی نگارنده یا نگارندگان، سمت و رتبه علمی ایشان، آدرس پست الکترونیکی و شماره تماس باید در صفحه‌ای جداگانه به همراه اصل مقاله ارسال شود.
- به همراه مقالات ترجمه شده باید اصل مقاله و مشخصات کتاب‌شناسی آن ارسال شود.
- ارجاع مقالات باید به شیوه درون‌متنی و داخل پرانتز شامل (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار: جلد/شماره صفحه) باشد و در انتهای مقاله نیز در بخش فهرست منابع



به ترتیب حروف الفبا (براساس نام خانوادگی نگارنده) مشخصات کامل کتاب شناسی منبع ذکر شود. روش ذکر منابع در انتهای مقاله به صورت زیر است:

کتاب: نام خانوادگی نگارنده، نام نگارنده، نام و نام خانوادگی سایر نگارندگان (سال انتشار). **عنوان کتاب**، جلد، نام مترجم یا مصحح، محل انتشار: ناشر، نوبت چاپ.

مقاله: نام خانوادگی نگارنده، نام نگارنده، نام و نام خانوادگی سایر نگارندگان (سال انتشار). «عنوان مقاله»، **نام مجله**، ترتیب انتشار و نوبت چاپ، شماره صفحات مقالات در مجله.

- هرگونه یادداشت و توضیحات اضافی با قید شماره در قسمت **پی‌نوشت‌ها** و قبل از فهرست منابع تنظیم شود.

- صرفاً مقالات از طریق پست الکترونیک فصلنامه به نشانی Tarikhnameh.khu@gmail.com قابل دریافت است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی